



ملی شدن نفت کودتا و دیوار بی اعتمادی

ارواند آبراهامیان

ترجمه: جعفر خیرخواهان

روزنامه نیویورک تایمز به تازگی گزارش سیا درباره سقوط مصدق به دست آمریکا و انگلیس را منتشر کرده است. نیویورک تایمز گزارش منتشره را چنان تبلیغ می کند که سرگذشت پنهانی کودتای مخفی است و آن را جایگزین ارزشمندی برای پرونده های دولت آمریکا می داند که همچنان دور از دسترس عموم باقی مانده اند. اما بازسازی صحنه کودتا به کمک سایر منابع، به ویژه آرشیو وزارت خارجه انگلستان، نشان می دهد که این گزارش کاملاً عقیم شده است. گزارش از مسائل حساسی مثل مشارکت جدی سفیر آمریکا در سقوط عملی مصدق، نقش مشاوران نظامی آمریکا، مهار گروه های مسلح مسلمان و نازی های داخل ایران و بکارگیری ابزار ترور برای بی ثبات کردن دولت به راحتی عبور می کند. مهمتر از همه اینکه، کودتا را در بستر جنگ سرد و نه بحران نفتی ایران و انگلیس که یک نمونه کلاسیک از برخورد ملی گرایی با امپریالیسم در جهان سوم بود قرار می دهد.

«اوضاع در ماه اوت به نقطه بحرانی رسید. زمانی که به مدت سه روز مصدق با پشتیبانی حزب کمونیست، به دیکتاتوری شباهت داشت که مقاومت در برابرش فایده ای ندارد. یک دیپلمات عالیرتبه حتی توصیه کرد که باید به او نزدیک شویم... اما خوشبختانه وفاداری ارتش و ترس از کمونیسم ما را از چنان روزی رها نمود.» (رئیس جمهور آیزنهاور)

درباره ایران برخلاف مورد گواتمالا همچنان غیرقابل دسترس باقی مانده است را توضیح دهد. نقش آمریکا در ایران مستقیم بود؛ در مکان هایی مثل گواتمالا عمدتاً غیرمستقیم بود.

هرچند دسترسی به منابع دست اول سیا میسر نگردیده است، تکه های اصلی پازل ۱۳۳۲ را می توان از منابع مختلف جمع آوری کرد؛ از آرشیو وزارت خارجه انگلیس در اداره سابق عمومی در لندن (با اینکه این آرشیو ها نیز از گزند سانسور در امان نمانده است، حاوی بیش از ۱۰۰۰ پرونده درباره ایران از جمله رونوشت هایی از اسناد آمریکاست)، خاطراتی که ایرانیان به رشته تحریر درآوردند (پس از انقلاب ۱۳۵۷، تعداد فراوانی از ملیون و افسران چپ به خاطره گویی روی آوردند)، دو طرح تاریخ شفاهی (یکی مصاحبه با چپها (حمادی، ۱۹۷۵-۹۵) و دیگری مصاحبه با اعضای نخبگان رژیم سابق (لاجوردی، ۱۹۹۳))، از روایاتی که «طراحان اصلی کودتا» نوشتند (کرمیت روزولت (۱۹۷۹)، رئیس سیا در عملیات و مونتاژ وودهاوس، همای انگلیسی وی در ۱۳۶۶ (وودهاوس ۱۹۸۲)) و از کوه نوشته های اطلاعاتی که عوامل رده پایین سیا و ۱۳۶ به ویژه پژوهشگران دانشگاهی از قبیل مارک گازیورسکی (۱۹۷۹) و استفن دوریل (۲۰۰۰) بیرون دادند. این مقاله بر آن است تا از این مجموعه منابع متعدد برای بازسازی صحنه کودتا استفاده نماید.

منشأ بحران نفت (۳۰-۱۳۳۷)

ریشه کودتا به بحران نفت ایران و انگلیس ۱۳۳۰-۳۲ بازمی گردد که آن هم به مذاکرات نافرجام نفتی در انتهای جنگ جهانی دوم ربط پیدا می کند. در سال ۱۳۳۷، مجلس پیشنهاد سال ۱۳۳۴ شوروی برای کسب امتیاز نفتی در استان های شمالی کشور را رد کرد، با اینکه موافقت نامه به ایران سهم مساوی در سود، مدیریت و توزیع می داد. وزارت انرژی انگلیس به وزارت خارجه آن کشور هشدار داد: نقطه قوت نفت انگلیس در این واقعیت نهفته است که ما امتیازاتی در سراسر جهان داریم و شخصاً به توسعه میدان نفتی پرداخته و توزیع و اداره آن تحت کنترل ما است. اگر کشورهایی بخوانند رأساً منابع نفت خود را توسعه

عنوان «تاریخ پنهانی» که افشاکننده «اطلاعات بسیار مهم» و «طرز کار درونی کودتا» است یاد کرد (۲۰ آوریل ۱۱ ژوئن ۲۰۰۰)، روزنامه گاردین آن را «روایت دست اول و مفصل دولت آمریکا از رویداد» تصویر نمود (۱۷ آوریل ۲۰۰۰). بر همین سباق، «آرشیو امنیت ملی» - یک سازمان غیردولتی که برای از طبقه بندی خارج کردن اسناد رسمی تشکیل شده است - آن را «پیش از حد مهم» دانسته و به عنوان یک «گزارش پس از اقدام، از پیام های تلگرافی سیا و مصاحبه با مأموران درباره ایران» انتشارش را خوشامد گفت.

چنین فضایی لاجرم چندین پرسش را مطرح می سازد. این صحیح که گزارش در فاصله زمانی کوتاهی پس از حادثه نوشته شده بود، اما منابع اطلاعاتی اولیه واقعی پیام های مبادله شده بین واشنگتن، لندن و تهران غیرقابل دسترس باقی مانده است. حقیقتاً، گزارش را یکی از شرکت کنندگان در کودتا نوشته بود، اما رویدادها و منابع «دست اول» از دیدگاه او پالایش و عبور داده شده بود. بنابراین جنگ سرد بر بحران نفتی سایه می افکند و نقش سیا نسبت به ۱۳۶ کوچک جلوه داده می شود. واقعیت این است که گزارش منتشره محرمانه بود، اما به این معنا نبود که ویلبر اقدام به خودسانسوری نکرده باشد. ویلبر مراقب بود برای نگارش یک تاریخ سفارش داده شده، انگشت اتهام را به سمت پنتاگون و وزارت خارجه نشانه نرود. توجه بر نقش سیا در کودتا یک مسئله است به هر حال فرض بر این است که این سازمان چنین اقداماتی را انجام می دهد. اما وصف سفرا و مشاوران نظامی که فعالانه در سقوط دولت های میزبان خود مشارکت داشتند مسئله دیگری است.

بر همین روال، تأیید اینکه «تبلیغات تیره و تاری از اوضاع» به راه انداختن، برای برپایی تظاهرات بول می داد، «حقه های کثیف» به کار می برد و افسران رازری منگنه می گذاشت تا کودتا کنند، یک بحث است و تأیید اینکه سیا از طریق نازی های داخل ایران کار می کرد و نقش مستقیم در آدم ربایی، ترور، شکنجه و قتل عام های خیابانی داشته بحث دیگری است. چنین قضاییایی شاید دلیل اینکه چرا آرشیو های سیا

منابع تحقیق

عبور شتر از سوراخ سوزن آسانتر از دسترسی یک تاریخ نگار به آرشیو سیا درباره کودتای ۱۳۳۲ ایران است. با وجود اینکه نیم قرن سپری شده، سلسله پهلوی ساقط گشته، جنگ سرد به پایان رسیده، اکثر شرکت کنندگان در کودتا پدرو حیات گفته اند و مواد اسناد مربوط به سایر عملیات پنهانی، از قبیل گواتمالا منتشر گشته اند، این آرشیوها کاملاً غیرقابل دسترس هستند. مهمتر از همه اینکه، یک «فرمان اجرایی» مصوب ۱۹۹۵ به وزارتخانه های دولتی دستور می دهد تا «به صورت خودکار» اسناد را پس از گذشت ۲۵ سال از طبقه بندی خارج کنند. در ابتدای دهه ۱۹۹۰، سیا به دنبال فرصت بیشتری بود تا اسناد ۱۳۳۲ مربوط به ایران را منتشر کند، با این بهانه که منابع مالی لازم برای فهرست برداری این پرونده های حجیم را در اختیار ندارد. اما در انتهای دهه ۱۹۹۰ ادعا کرد پرونده ها قابل انتشار نیستند، چون که در ابتدای دهه ۱۹۶۰ «به طرز نامعلومی» نابود شده اند.

این قضیه پرزورم و راز در آوریل ۲۰۰۰ پیچیده تر شد، چون که یک گزارش سیا درباره کودتا، پس از ۲۵ سال پنهان ماندن به نحو توجیه ناپذیری در معرض دید عموم قرار گرفت. ابتدا خلاصه گزارش سیا در نیویورک تایمز (۱۶ آوریل ۲۰۰۰) منتشر شد، سپس نسخه تقیح شده ۸۰ صفحه ای از گزارش در سایت اینترنتی این روزنامه قرار گرفت و در نهایت اینکه نسخه ۱۶۹ صفحه ای گزارش با حذف و سانسور کمتر در یک سایت اینترنتی دیگر قرار گرفت. (<http://iran-all.htm>) عنوان گزارش «سقوط دولت مصدق در ایران» بود که دونالد ویلبر از عوامل سیا و دخیل در کودتا آن را نوشته بود. تهیه گزارش به سفارش بخش تاریخ سیا انجام گرفته بود، با این قصد که کتابچه راهنما برای کودتاهای آتی باشد. مخاطبان گزارش را نه فقط مقامات عالیرتبه درون سیا، بلکه همچنین پنتاگون، وزارت خارجه، کاخ سفید و کمیته روابط خارجی مجلس سنا تشکیل می دادند.

این سند بی درنگ در قد و قامت یک متن اصلی و قابل اطمینان خودنمایی کرد. نیویورک تایمز از آن به

کودتا
چهره آمریکا را
با قلم موی انگلیسی
مخدوش ساخت
ذهنیت
قدرت استعماری
به ایرانیان داد
ذهنیتی که
بی اعتمادی عمیق
بین ایران و آمریکا
به وجود آورد